

## پژوهش‌گری برای ادبیات سینمایی

عباس بهارلو

• نینا دارالشامی



مشخصات فیلم‌های سال ۱۳۳۸ (۲۵ عنوان) در کتاب سینمای ایران اهتمام ورزید و وعده داد که در پایان هر سال چنین کتاب‌هایی منتشر خواهد شد. هیچ‌کس از وی حمایت نکرد و نتیجه‌اش این شد که شعلای کارش را به آن شکلی که وعده داده بود ایلمه نداد. در آن سال‌ها گروهی از منتقدان مثل دکتر هوشنگ کاوسی معتقد بودند که اگر روزی قرار باشد تاریخ سینمای ایران تدوین شود ذکر نام فیلم‌های آن باعث تأسف خواهد بود، اما معدودی از افراد هم مثل فرخ غفاری اعتقاد راسخ داشتند که ثبت اطلاعات همین فیلم‌ها نه آن‌ها را بزرگ می‌کند و نه کوچک‌کند، اما این حسن را دارد که می‌تواند به عنوان یک منبع و مرجع مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین ندانن اعتبار کافی و لازم به سینما در گذشته سبب شد که ادبیات سینمایی ما در این عرصه - مثل خیلی از عرصه‌های تحقیقی دیگر - قتیو باشد.

تردیدی نیست که برای آن که تاریخ تحلیلی سینمای ایران نوشته شود اول باید منابع مربوط به آن را ذره ذره گردآوری و ثبت کرده مثل اطلاعات مربوط به مشخصات فیلم‌ها، سازندگان آن‌ها، عکس‌ها و پوسترها، اسناد و نامگذاری‌ها و خیلی چیزهای دیگر، بدیهی است که بدون داشتن اطلاعات و منابع کافی و موثق و شناخت از کم و کبک، موضوع نمی‌توان تاریخ آن را نوشته، بنابراین، این‌گونه کتاب‌های مرجع، که در فوق به‌عنوان آن‌ها اشاره شده، راه را برای نوشتن تاریخ سینما هموار می‌کنند؛ مثلاً با ثبت کامل مشخصات فیلم‌های سینمای ایران در فاصله سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۲ در دو جلد فیلم شناخت ایران دیگر می‌توانیم که چه تعداد کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تدوین‌گر، عکاس، بازیگر، تهیه‌کننده، استودیو، لابراتوار و مانند این‌ها در تاریخ سینمای ایران فعال بوده‌اند، چه مقدار کار کرده‌اند، کی آمده‌اند و کی رفته‌اند و با توجه به فیلم‌هایی که ساخته‌اند چه نوع سینمایی را دنبال کرده‌اند، بدیهی است که وقتی این‌ها را نشناسیم و از کم و کیف فعالیتشان اطلاع نداشته باشیم نتوانیم توکست تاریخ مربوط به آن‌ها را بنویسیم.

در مورد دانشنامه سینمای ایران، به‌رغم آن که کارهای مشابه کوچکی انجام

عباس بهارلو یکی از فعالان ادبیات سینمایی در ایران است که تاکنون از وی کتاب‌های سینمایی زیادی منتشر شده که از میان آن‌ها می‌توان به «بررسی تاریخی تقنوسی در سینمای ایران»، «زویه دید در سینمای ایران»، «فرزادی سینمای کم‌دی ایران»، «برداشت ناتمام، سینماگران ایرانی: عباس کیارستمی»، «فروغ فرخزاد و سینما»، «سامولن خاچیکیان: یک گفت و گو، معرفی و نقد آثار ناصر تقوایی»، «معرفی و نقد فیلم‌های امیر نادری»، «۴۰۰ فیلم‌ساز و...» اشاره کرد. وی همچنین نویسنده گفتار متن چند برنامه تلویزیونی از جمله سینما ۲، سینما ۴، و سینما ۱۱ بوده است. از بهارلو اخیراً کتاب‌های فیلم شناخت ایران - جلد اول (در ۶۶۲ صفحه) و جلد دوم (در ۴۸۸ صفحه) و دانشنامه سینمای ایران (در ۵۱۲ صفحه) نشر قطره منتشر شده است. به انگیزه انتشار این مجموعه کتاب‌های مرجع سینمایی به معرفی و بررسی آن‌ها پرداخته‌ایم.

از موقی که عباس بهارلو و دو سه نفر دیگر از نویسندگان سینمایی از حدود پانزده سالزده سال پیش، به صورت مستقل و جدا از هم، برای تألیف کتاب‌هایی نظیر فیلم شناخت ایران، دانشنامه سینمای ایران، فرهنگ فیلم‌های مستند سینمای ایران، مقاله و نقدشناسی سینمای ایران، و «کتابشناسی سینمای ایران» اقدام کردند، تا به امروز، گام‌های بلندی در زمینه تألیف این‌گونه کتاب‌های مرجع سینمایی برداشته شده است. بعضی‌ها خوشبختانه کار «پژوهش‌کار» کرده‌اند و بر لندوخته‌های ادبیات سینمایی ما بسیار افزوده‌اند، اما متأسفانه افرادی هم بوده‌اند که با روش‌نویسی و والوئسی کارهای منتشر شده همین مؤلفان خود را به جرگه فرهنگ‌نویسان، درآورده‌اند، و بدیهی است که در همان حد هم کارهای معتبر و قابل استناد و استفاده‌ای عرضه نکرده‌اند.

بهارلو در یادداشت ابتدای کتاب فیلم شناخت ایران درجایی را نقل کرده که قصه مختصر آن از این قرار است: وقتی سینمای ایران از دهه ۱۳۲۰ سر و شکل گرفته، به تمیز شادروان مطلق افشار، منتقد متقدم سینمای ایران، خیلی‌ها سینما را کوچکتر از آن می‌دانستند که درباره آن بحث کنند. بنابراین موقی که امثال شادروان عبدالحمید شعلای تهرانی اول‌بار در سال ۱۳۲۹ برای ثبت

شده بود، این کارها در حد ثبت اطلاعات مربوط به شناخته شده‌ترین فعالان سینما بود؛ اما تفاوت دقت‌ناهمه بهارلو نظیر همان کاری است که در فیلم شناخت ایران انجام داده است، و حتی مشخصات بسیاری از افرادی که ضمیمه کارگردان، دستیار فیلم‌بردار، برنامه‌ریز، مترجم، مدیر تولید، طرح صحنه و لباس، کورآرور و هم‌عصران و غیره داشته سینمای ایران شده است.

این که بخش مربوط به فیلم‌شناسی افراد هم کاملاً چه روزی شده است. در مورد فیلم شناخت ایران منابع مؤلف - همان‌گونه که در یادداشت آغاز کتاب هم توضیح داده - در وهله اول خود فیلم‌ها بوده که یادآوری کرده در مدت بیش از هفده هجده سال بیش از هشتاد و پنج درصد آن‌ها را - حتی فیلم‌هایی را که فقط دو سه پرده از آن‌ها باقی مانده بود - در جاهای مختلف (به ویژه فیلم‌خانه ملی ایران) یافته و دیده و اطلاعات مربوط به آن‌ها را واکاوی کرده است. هر مورد کمتر از یک‌دهم درصد بقیه فیلم‌ها هم - که ظاهراً تمام کپی‌های آن‌ها نابود شده یا فعلاً محققان سینمای ایران به آن‌ها دسترسی ندارند - از اطلاعات مندرج در مطبوعات همان سال‌ها استفاده کرده، و در مواردی هم اطلاعات مربوط به این فیلم‌ها را با پرس‌وجو از عوامل سازنده فیلم‌ها که در قید حیات بوده‌اند کامل کرده است.

در مورد دانشنامه سینمای ایران، بخش مربوط به فیلم‌شناسی افراد از فیلم شناخت ایران استنتاج شده و مشخصات مربوط به سال تولد (و گاهی مرگ) و تحصیلات افراد و کارهای نمایشی و تلویزیونی آن‌ها را (که در این مورد برخلاف فیلم‌شناسی فیلم‌های سینمایی به گزینده آن‌ها اکتفا شده) با تماس با خود آدم‌ها یا رجوع به پرونده‌های پرستنی آن‌ها و در پارهای موارد با استفاده از جراید تهیه و تکمیل کرده است.

طبعاً همیشه منابعی هست که - با توجه به چنین گستردگی از تحقیق و جستجی از منابع - با محققان ما نمی‌بینند یا اگر هم می‌بینند به آن‌ها دسترسی پیدا نمی‌کنند؛ مثلاً در مورد فیلم شناخت ایران خود مؤلف توضیح داده است که یکی دو فیلمی در آرشیو تلویزیون هست که متأسفانه نتوانسته به مشخصات کامل آن‌ها دسترسی پیدا کند، و در مورد دانشنامه سینمای ایران هم همین‌طور. چند نفری بوده‌اند که او مایل بوده است مشخصات مربوط به آن‌ها را در کتاب درج کند که متأسفانه دسترسی به خود افراد مقدور نشده، و طبعاً سال و محل تولد، میزان تحصیلات و فعالیت‌های غیرسینمایی آن‌ها را نتوانسته در جاهای دیگر پیدا کند؛ که با توجه به شناختی که از کارهای قبلی مؤلف وجود دارد، طبعاً انتظار می‌رود برای تکمیل آن‌ها در چاپ‌های بعدی اقدام کند.

ضمناً هر دو کتاب مصور به عکس‌های منحصر به فردی است که در مواردی قدمت آن‌ها - چه در مورد فیلم‌ها و چه در مورد اشخاص - بسیار جالب‌تر و گویا است. نکته دیگر در مورد عکس‌های دانشنامه این است که مؤلف کوشش داشته در اغلب موارد از عکس‌های پرتره آدم‌ها استفاده کند، که طبعاً جمع‌آوری آن‌ها سهل و آسان نبوده است. خود بهارلو توضیح داده که به‌ویژه در فیلم شناخت ایران بیش از هر چیز دشواری عکس‌های قابل چاپ بر دشواری کار او افزوده است.

یقیناً بهترین و مطمئن‌ترین شیوه تنظیم کتاب‌های مرجع تنظیم تقویمی و تاریخی آن‌ها است. تنظیم بر اساس حروف الفبا طبعاً یعنی از کثیرالکرم‌های جانبی کتابی مثل فیلم شناخت ایران را رکنی می‌کند؛ مثلاً با شیوه فنی تنظیم

کتاب حتی با تزیین سرصفحه آن می‌توانیم در جریان کم و کیف تولیدات سینمایی هر سال قرار بگیریم، و متوجه شویم که فیلم‌ها در فلان سال افزایش یافته یا کاهش بهتر شده یا بدتر و نظایر این‌ها ضمناً برای آن‌ها دسته از خوشگفتاری که می‌خواهند به فیلم‌ها براساس حروف الفبا دسترسی پیدا کنند. دسته‌بندی بر اساس حروف الفبا هم در کتاب‌ها، فیلم‌ها و مطبوعات ایران درج است که حجم آن در جلد اول بالغ بر ۷۰ صفحه و در جلد دوم بیش از ۹۰ صفحه است؛ اما برای دانشنامه سینمای ایران راهی مناسب‌تر از تنظیم اطلاعات براساس حروف الفبا وجود نداشت؛ که طبعاً بهارلو نیز بر همین اساس عمل کرده است.

آنچه تا این جای این یادداشت گفته شد بیش‌تر معرفی کلیت کتاب و اشاره به گستردگی حجم و میزان اطلاعات آن بود؛ بدهی است که فراهم آوردن چنین کتاب‌های مرجعی نباید با سهولت تألیف و عرضه شده باشند. خود مؤلف در یادداشت آغاز کتاب‌هایش به بخشی از این مشکلات اشاره کرده است. دشواری این تحقیقات با طرحی که برای پژوهش آن‌ها ریخته می‌شود در همان گام نخست رخ می‌نماید. آنچه بهارلو برای مجموعه فیلم شناخت ایران از همان ابتدا طراحی کرده ثبت و ضبط مشخصات و ملاحظات کامل فیلم‌های سینمای

ایران از آغاز ۱۳۰۹ تاکنون بوده است؛ یعنی ثبت و ضبط همه آن مشخصاتی که معمولاً در لیستی برده اول و در پارهای موارد در پرده آخر فیلم‌ها ثبت است. بخشی است که دسترسی و واکاوی کردن این حجم از اطلاعات کار چندین ساعته نبوده است. لازم است یادآوری شود که بسیاری از تیتراژهای فیلم‌ها - که در کتاب درج است - از روی نوارهای مغناطیسی تهیه شده‌اند، که اغلب آن‌ها هم در سال‌های گذشته کیفیت بسیار بدی داشته‌اند. در آن سال‌ها دستگاه «تله سینمایی درست و حسابی» وجود نداشته و اغلب فیلم‌ها طوری روی نوار ضبط شده بودند که تصویر در دو طرف کادر چاپ و راست ناقص بود، و خواندن بسیاری از اسامی به راحتی امکان‌پذیر نبود. حالا بگذریم از این که در آن دوره آزاد بودن دستگاه «تله سینمایی» در ایران بسیار نادر بود و به دست کسانی که می‌توانستند آن را خرید می‌توانستند. هر وقت که وقتی در فرنگ می‌خوانند چنین کتاب‌هایی را فراهم می‌آورند همه منابع کار به صورت منظم وجود دارد؛ فیلم‌ها با کیفیت خوب در دسترس است، و اغلب اسامی و نام‌ها هم به راحتی در دسترس است. از آن آسودگی‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۷ در ایران فعال بودند و در حدود ۶۰۰ فیلم تولید کردند حتی نام و نشانی از یکی از آن‌ها هم باقی نمانده است؛ به عبارتی دیگر، همه چیز دستخوش تاراج لیاقت شده است. این یک کلام آن‌چه مؤلف در این کتاب‌های مرجع فراهم آورده در هیچ کتابی در ایران یافت نمی‌شود؛ به صورت یک پژوهش تک نفره صورت نمی‌گیرد، اگر چه در این‌جا تفاوت در این است که وقتی چنین پژوهش‌های تک نفره‌ای سر و سامان می‌گیرند عده‌ای سوجو و فرستادگی که نه می‌دانند تحقیق و پژوهش چیست و نه این‌که بعید است در عمرشان چهل پنجاه فیلم بیشتر دیده باشند. حاصل کار محققان را جلیوشان می‌نگارند و با واکاوی کردن آن‌ها لوح فشرده دایره‌المعارف سینمای ایران می‌سازند یا آن‌طور که مدعی است باب شده بانک اطلاعات سینمای ایران ایجاد می‌کنند. همین‌جا باید پرسید که چرا این حضرات که برخی از آن‌ها وابسته به دم و دستگاه‌های عریض دولتی هم هستند با سرفت از دیگران هانگهان از زیر می‌کنند؟ □